

بررسی جامعه‌شناختی تعریف امنیت ملی دولت‌ها در عصر جهانی شدن

پرویز احدی^۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

چکیده

جهانی شدن فرآیند اقتصادی سیاسی و اجتماعی بوده و حاصل فشرده شدن زمان و مکان می‌باشد. به طوری که گفتمان ارتباطات را تحلیل برده و فاصله‌ها را به هم نزدیک‌تر و حاکمیت و امنیت ملی دولت‌ها را تحت تاثیر قرار داده است و تاثیرات حاصل از آن منجر به کاهش یا تغییر ظرفیت و توانایی دولت در برابر فشار سیستم بین‌الملل شده است. افزایش یا کاهش قدرت دولت‌ها، تغییر ظرفیت آن‌ها، توان‌مندی یا عدم توان‌مندی و تغییر محورهای تعارضات و کشمکش بین‌المللی در گفتمان‌های مطرح امنیت ملی دولت‌ها متشکل از گفتمان سنتی، مدرن و پست مدرن موثر بوده و شاخص‌های آن یعنی مشروعیت، امنیت و یکپارچگی سیاسی را تحت تاثیر و منجر به باز تعریف امنیت ملی فوق دولت‌ها شده است و دولت‌ها را به چهار گروه: ۱. قدرت‌های بزرگ، ۲. کشورهای موجود در مناطق با ثبات، ۳. کشورهای موجود در مناطق بحران‌خیز مداوم و ۴. کشورهای ضعیف و شکست خورده مقوله‌بندی نموده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از شیوه مطالعات کتابخانه‌ای، کوشیده است تا با استفاده از منابع علمی و پژوهشی معتبر به این سوال پاسخ دهد که جهانی شدن چه تاثیراتی بر باز تعریف مفهوم امنیت داشته است. واژگان کلیدی: امنیت ملی، جهانی شدن، دولت، اقتصاد، سیاست.

۱. استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب-ایران.

مقدمه و بیان مسئله

فرهنگ به عنوان محصول بر آمده از آفرینش نیروهای انسانی و اجتماعی پیرامونی در هر کشور جهت شکل‌گیری، قوام و تداوم در جوامع انسانی، نیازمند امنیتی است که خود نیازمند فرهنگ، جهت فهم و درک شدن است. لذا در این مقاله به ارائه ادبیات موضوعی و مبانی نظری، وجه تمایز جهانی شدن و جهانی‌سازی و بیان نقطه نظرات و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان پدیده جهانی شدن، بررسی و تحلیل آثار جهانی شدن بر حوزه فرهنگ که شامل آراء و نظرات اندیشمندان مدرن و پست مدرن در مورد جهانی شدن و فرهنگ، تشریح پارادایم‌های نظری در خصوص ارتباط فرهنگ و جهانی شدن، بررسی مدل‌های جهانی شدن فرهنگ و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات کاربردی بر اساس نتایج مقاله می‌باشد. در این بین، جهانی شدن و به ویژه جهانی شدن فرهنگ با گذشتن از سطح ملی و ایجاد ساختارهای اصیل جهانی بر مبنای پیوند و گسترش روابط اجتماعی، با ارتقای مفهوم امنیت ملی به امنیت جهانی و گسترش ابعاد امنیت ملی از مفهوم صرفاً نظامی، توجه به فرهنگ و امنیت فرهنگی را در نزد کشورها اعتلا بخشیده است. لذا، کشورها جهت دستیابی به امنیت ملی، به اتخاذ رویکردهایی فرهنگی در مواجهه با جهانی شدن فرهنگ اقدام می‌کنند. در این بین لزوم شناخت و آگاهی از رویکرد مطلوب و مناسبی که به بهترین وجه بتواند امنیت ملی کشورها در مطالعات امنیتی در عصر جهانی شدن را تأمین کند، امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. بررسی این نوشتار حکایت از آن دارد که رویکرد تماس و آمیختگی فرهنگی با تأکیدی که بر دستیابی به ترکیبی از فرهنگ خاص، عام و محلی، جهانی و نه جستجوی فرهنگ و هویت ناب و خالی دارد، بتواند به بهترین وجه ممکن امنیت ملی کشورها در جهانی شدن فرهنگ را تأمین کند. جهانی شدن فرآیند اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که جامعه بین‌المللی و حاکمیت دولت‌ها را به صورت شبکه‌ای یعنی نفوذپذیر در آورده و در نهایت باعث تغییر در فرهنگ و اندیشه انسان‌ها شده است (Giddens, 1991: 70-78). بدین ترتیب، جهانی شدن با ایجاد تغییرات اساسی در سطح بین‌الملل و تعاملات بین دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی به تشدید و گسترش روابط اجتماعی و کاهش فاصله افزوده است؛ به طوری که در پرتو جهانی شدن، حاکمیت دولت‌ها شاهد ظهور مجموعه‌ای از تحولات مانند ظهور قدرت منطقه‌ای، گسترش حوزه نفوذ و تقویت توان‌مندی‌های سخت و نرم و ایجاد قواعد بازی جدید و در مقابل، ایجاد دولت‌های شکننده با کاهش قدرت، حاکمیت و افزایش انواع جدید تهدیدات اقتصادی، سیاسی و ارتباطی هستیم.

بنابراین جهانی شدن ماهیت سیاست و حکمرانی را از ژئوپلتیک دولت‌محور به سیاست جهانی ژئوستریک^۱ تغییر داده است؛ به طوری که فرا جهان‌گرایان معتقدند جهانی شدن، قدرت و حاکمیت دولت‌ها را در حوزه‌های اقتصادی، سیاست‌گذاری و فضای مجازی کاهش و در مقابل سایر اندیشمندان

^۱ Geo-centric

معتقدند که دولت‌های دارای حاکمیت هنوز اصلی‌ترین کارگزار شکل دهنده در سیستم بین‌الملل محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع علمی و پژوهشی معتبر می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد که جهانی شدن چه تأثیری بر باز تعریف مفهوم امنیت ملی دارد؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

در جهان امروز و از آغاز پیدایش مفهوم جهانی‌شدن همواره دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به کارکردهای احتمالی این پدیده در میان اندیشمندان حوزه علوم انسانی مطرح بوده است. معمول‌ترین دریافت مفهومی از این پدیده، رویکردهای پروژه‌محورانه و پروسه‌محورانه آن بود که از مهندسی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تا رویکرد خطی و ضرورت‌های جهان امروز را شامل شده است. این پژوهش فراتر از قضاوت‌های ارزشی و تفکیک زوایای منفی و مثبت به دنبال نوعی آسیب‌شناسی و ارائه راه‌حل نسبی بر طرف کردن آن در حیطه جغرافیای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران است. زیرا پیش فرض ما بر این بوده است که جهانی شدن با تحدید حاکمیت دولت‌ها از طریق مکانیسم‌هایی که با عصر ارتباطات تلاقی شده است، در حال در نوردیدن سایر مولفه‌های محیطی از جمله فرهنگ، اقتصاد و سیاست شده است. با عنایت به تحدید کنترل حاکمیت‌ها در پی عملیاتی کردن تهدیدات بالقوه این پدیده از جمله ولنگاری در فضای مجازی از طریق جنگ روانی شده است. بر این اساس ما از دیدگاه‌های کلاسیک که عموماً دارای ویژگی بازدارندگی صرف هستند عبور کرده و به ارائه راهکار از طریق ارائه استراتژی تاب‌آوری، علاوه بر مقاومت مثبت در برابر آن (مقاومت به معنای منفی) آن را مدنظر قرار داده‌ایم که خلاقیت و موضوعیت پژوهش از این نوع مفهوم‌بندی آشکار می‌شود.

مبانی نظری

جهانی شدن

آنتونی گیدنز جهانی شدن را یک رشته فرایندهای پیچیده‌ای می‌داند که در آن شاهد رشد روز افزون شرکت‌های چند ملیتی و گسترش فعالیت آن‌ها، حاکمیت دولت‌های ملی را تضعیف کرده است؛ به گونه‌ای که امروزه شاهد ظهور بازیگران فراملی یا بدون حاکمیت سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی و ... هستیم. با جهانی شدن سیستم جهانی، مشکلات و تهدیدات متوجه شهروندان، دولت‌ها و حاکمیت آن‌ها، منافع و امنیت ملی عوض شده و باز تعریف و باز ارزیابی آن‌ها را ضروری کرده است. به طوری که حاکمیت دولت‌ها (صرف نظر از نوع رژیم سیاسی حاکم بر دولت‌ها) و هسته مرکزی آن یعنی قدرت سیاسی را که نقش اساسی در هدایت و رهبری مولفه‌های دیگر دولت نظیر سرزمین، مردم و حکومت دارد از گفتمان‌های مطرح جهانی شدن متأثر و بر اساس تئوری سازه‌نگاری یعنی قوام‌بخشی ساختار و کارگزار یعنی نوع دولت (دولت‌های قدرت‌مند، دولت‌های ضعیف، شکننده، شکست خورده و فرو پاشیده) و ساختار یعنی مناطق یا حوزه‌های نفوذی که دولت‌ها در آن حضور داشته‌اند نظیر حوزه‌ها و مناطق بحرانی توأم با رقابت دائمی ما بین قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای و مناطق باثبات در راستای مدیریت چالش‌ها و تهدیدات جدید امنیتی نیاز به اتخاذ استراتژی‌هایی نظیر مقاومت و تاب‌آوری در راستای شکل‌دهی به توانایی و ظرفیت تغییر در ماهیت قدرت و مدنظر قرار دادن توانان قدرت سخت و نرم در قالب قدرت هوش‌مند در طراحی استراتژی و استراتژی کلان خود دارد.

بر این اساس گفتمان مطرح در رابطه با امنیت ملی دولت‌ها متشکل از گفتمان سنتی، مدرن و پست مدرنیستی در تأثیرپذیری از فشارها و چالش‌های جهانی شدن نیاز به باز تعریف دارد.

امنیت ملی

امنیت ملی در جهان امروز مفهوم پیچیده‌ای است (رابرت ماندل، ۱۳۸۷: ۴۳). این واژه در قرن بیستم و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است. امنیت ملی توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی تعریف می‌شود. دانشنامه بین‌المللی علوم اجتماعی، امنیت ملی را «توان یک کشور در حفظ ارزش‌های خودی در برابر تهدیدهای خارجی» (لیپمن: ۵)، و یا «احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های ملی و ترس از خطر جدی خارجی نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور» تعریف کرده است (بهزادی، ۱۳۴۹: ۱۰۱). محمد ایوب معتقد است که مفهوم سنتی امنیت ملی کاربرد خود را از دست داده است. وی بر عوامل داخلی امنیت توجه خاصی داشته و بر تفاوت معضلات و نگرش امنیتی کشورها تأکید می‌کند و معتقد است که تفسیر شمالی‌ها از امنیت به نحوی است که ناامنی جنوبی‌ها از آن متبادر می‌شود و بر عکس. در واقع امنیت جنوب، ناامنی شمال و امنیت شمال، ناامنی جنوب تلقی می‌شود. در دیدگاه اسلامی، می‌بایست امنیت ملی را در سایه اقتدار، استقلال، دانایی و

توانایی، ارتباطات قوی و سازنده امت اسلامی در کلیه ابعاد و زوایا و ایستادگی در برابر یورش و توطئه و تهدید دشمن و بیگانگان و قدرت‌های بزرگ پیگیری کرد. امروزه هر کشوری در تامین امنیت ملی، باید به مقابله با انواع تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، رسانه‌ای بپردازد. آن چه در نزد اندیشمندان مشترک است این است که، امروزه امنیت ملی هر جامعه در سایه تدابیر حکومت و حمایت و پشتیبانی مردم محقق می‌شود (Bilgin, 2012: 10).

اهداف پژوهش

- تبیین تاثیر جهانی شدن بر باز تعریف امنیت ملی دولت‌ها
- در این پژوهش جهانی شدن عبارت است از فشرده شدن زمان و مکان و تغییر حاکمیت دولت‌ها به حاکمیت کارآ در راستای مدیریت تهدیدات و چالش‌های جدید است.
- حوزه‌های مطرح در حیطه جهانی شدن عبارتند از:
۱. جهانی شدن اقتصاد که ساختار جهانی آن سرمایه‌داری است.
 ۲. جهانی شدن سیاست که ساختار جهانی آن دموکراسی است.
 ۳. جهانی شدن فرهنگ که ساختار پلورالیزم فرهنگی بر آن حکمفرماست.
 ۴. جهانی شدن ارتباطات و تکنولوژی و
 ۵. جهانی شدن دانش.

روش‌شناسی

در رابطه با بحث متدولوژی، پژوهش حاضر علاوه بر اتکاء به ظرفیت‌های اسنادی و کتابخانه‌ای بر تحلیل موضوع مورد بحث پرداخته است. بعد تحلیلی پژوهش ناظر بر رویکرد گفتمانی است. این رویکرد با عناصر شناخته شده آن به دنبال تحلیلی ژرف از طریق مفهوم‌سازی‌ها و انطباق عین و ذهن در موضوع مورد بحث است. بنابراین ضرورت مفهوم «باز تعریف» در عنوان موضوع از این جا آشکار می‌شود که با غیریت‌سازی‌های مفهومی و برداشت‌های محیطی این متدولوژی در محتوای بحث معنا پیدا می‌کند.

تعریف مفاهیم

جهانی شدن اقتصاد

کاربست تصویری از یک جهان بدون مرز در توصیف اقتصاد رایج است. به عبارت دیگر جهانی شدن اقتصاد مربوط به مجموعه‌ای از عوامل و عناصر جهانی و بین‌المللی است که درصدد عمومی کردن تسریع ارتباطات، وابستگی متقابل دولت‌ها و جوامع مدنی در سطح اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. منظور از جهانی شدن اقتصاد در این پژوهش آزادسازی نظام‌های مالی و تجارت بین‌المللی است. تولید، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بین‌المللی شدن روز افزون بازارهای پولی، اعتباری، رشد و گسترش بازارهای سرمایه خارجی است. به عبارت دیگر هدف اتحاد جهانی از اقتصادهای بخشی است. شاخص‌های مطرح در رابطه با جهانی شدن اقتصاد عبارت است از:

۱. تجارت جهانی
۲. تولید جهانی
۳. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۴. ایدئولوژی تشکیلاتی
۵. شرکت‌های چند ملیتی
۶. بازار کار (Jagdish, 2016: 2-6).

جهانی شدن سیاست

جهانی شدن سیاست عبارت است از تحت تاثیر قرار گرفتن دولت و حاکمیت آن بر اثر پدیده جهانی شدن و تبدیل فعالیت سیاسی به فعالیت‌های فراجامعه‌ای است (Jessop, 2003: 36). منظور از جهانی شدن سیاست در این پژوهش، شبکه‌ای شدن و تغییر ماهیت حاکمیت دولت‌ها به حاکمیت کارآ در رابطه با سیاست‌گذاری داخلی و خارجی به ویژه در مورد امنیت ملی است. شاخص‌های مطرح در مورد جهانی شدن سیاست عبارت است از:

- تضعیف حاکمیت کشورها
- ظهور بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی
- گسترش جهانی شدن فرهنگ
- افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی
- تغییر ساختار روابط بین‌الملل
- پیدایش فرهنگ سیاسی نوین (Soborski, 2013: 136).

جهانی شدن فرهنگ

جهانی شدن فرهنگ عبارت از کوچک شدن جهان و نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌های مختلف و ایجاد چالش‌های جهانی نسبت به الگوها، فرهنگ سنتی و نظم اجتماعی است. منظور از جهانی شدن فرهنگ در پژوهش فوق، جهانی شدن فرهنگ به معنی جهانی شدن فرهنگ تمامی جوامع یعنی پلورالیزم فرهنگی در قبال غربی شدن فرهنگ سایر کشورها می‌باشد. شاخص‌های جهانی شدن فرهنگ عبارتند از:

۱. فرهنگ مادی
- الف) بعد رسانه‌ای - تفریحی
۲. فرهنگ معنوی
- الف) ابعاد قومیتی، ب) ابعاد مذهبی و ج) ابعاد جنسیتی (Raikhan, 2014: 8-12).

جهانی شدن ارتباطات

جهانی شدن ارتباطات ایجاد انقلاب تکنولوژی یک سطح در افراد و رسانه‌های گروهی است که همین امر موجب انقلاب سیاسی است. در این پژوهش منظور از این مفهوم جهانی شدن رسانه‌های گروهی و گسترش آن‌ها مانند شبکه‌های ماهواره‌ای اینترنت و جهانی شدن ارتباطات برای افراد و مرتبط شدن انسان‌ها در گوشه و کنار جهان می‌باشد.

شاخص‌های جهانی شدن ارتباطات عبارتند از:

- جهانی شدن ارتباطات رسانه‌های گروهی
- جهانی شدن ارتباطات انسان‌ها.

امنیت ملی

در رابطه با امنیت ملی دولت‌ها می‌توان به سه تعریف اشاره کرد: تعریف نخست از امنیت ملی دولت‌ها معمولاً با تعریف از منظر تئوری واقعی‌گرایی ارتباط تنگاتنگ دارد که بر اساس آن اولویت دولت‌ها عبارت است از حفاظت یا حفظ مرز ملی، سرمایه ملی، ارزش‌های اصلی از طریق کاربرد ابزارهای نظامی که بر اساس آن دولت‌ها با عنایت به دفاع مشروع در سیستم خودیاری ضمن تامین قدرت سیاسی و نظامی خود بر حمایت سایر دولت‌ها متکی نیستند. بر این اساس سیستم خودیاری و سود نسبی مبتنی بر تئوری‌های رئالیزم است که دولت‌ها به وسیله توانایی نظامی قدرت‌مند به آن دست می‌یابند. گرچه دولت‌ها اهداف دیگری نظیر ایجاد نظم داخلی و رفاه تاکید می‌نمایند، اما در اولویت اول منافع ملی دولت‌ها جای می‌گیرد، زیرا بدون امنیت سرزمینی سایر ارزش‌های ملی غیر قابل تحقق خواهد بود. بر این اساس برای تمامی دولت‌ها امنیت ملی اولویت اصلی تلقی می‌شود که می‌توان به اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود.

تعریف دیگری از امنیت ملی که تقریباً با تعریف نخست در ارتباط بوده و از نقطه نظر دانیل یرگن با دولت‌هایی در ارتباط است که امنیت ملی و تامین آن را به سایر کارکردهای دولت ترجیح می‌دهند اما بر خلاف نقطه نظرات واقع‌گرایان در تعریف فوق از امنیت ملی ترجیحات دولت‌های مرتبط برای در اولویت قرار دادن امنیت ملی و توجه به مسائل نظامی به عوامل مختلفی نظیر محیط بین‌المللی و فاکتورهای سیاسی داخلی ارتباط دارد. سومین تعریف از امنیت ملی متعلق به دولت‌هایی است که در آن نهادهای سیاسی خاص مسئول هدایت و رهبری امنیت خارجی را با عنایت به چالش‌ها و تهدیدات جدید نسبت به منافع و امنیت ملی بر عهده گرفته و به باز تعریف امنیت ملی می‌پردازد.

باز تعریف امنیت ملی دولت‌ها در عصر جهانی شدن

از منظر نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل معتقدند با توجه به تضعیف امنیت ملی دولت‌ها توسط فرآیند جهانی شدن، در باز تعریف امنیت ملی دولت‌ها در فرآیند جهانی شدن و تبیین استراتژی جدید آن‌ها، کشورها را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. قدرت‌های بزرگ
۲. کشورهای دارای حضور در مناطق برخوردار از ثبات یا باثبات
۳. کشورهای مطرح در مناطق توأم با رقابت‌های مداوم
۴. کشورهای ضعیف، شکننده و شکست خورده.

جهت‌گیری و نوع تأثیرگذاری بر امنیت ملی دولت‌ها به علت متفاوت بودن ظرفیت‌ها، توانایی و قدرت دولت متفاوت بوده است. کشورهای قدرت‌مند و برخوردار از ثبات داخلی و خارجی، بیشترین تأثیر را پذیرفته و کشورهای ردیف دوم یعنی کشورهای دارای حضور در حوزه‌ها و مناطق توأم با رقابت مداوم تأثیرپذیری اندک و کشورهای ضعیف و شکننده به علت مشکلات داخلی تأثیرپذیری بسیار اندکی را از فرآیند جهانی شدن داشته‌اند.

از نقطه نظر تئوری‌پردازان جهانی شدن، نیروهای اجتماعی جهانی به اشکال مختلف امنیت ملی دولت‌ها را تضعیف نموده است که می‌توان به عدم وجود جنگ‌های بزرگ بین کشورها، کاهش هزینه‌های نظامی، ظهور بازیگران فراملی و افزایش چالش‌های امنیتی غیر سنتی در حیطه‌های تروریسم فراملی، محیط زیست و قاچاق مواد مخدر اشاره کرد. به علاوه نظریه‌پردازان جهانی شدن استدلال می‌کنند که ماهیت چالش‌های فوق جهانی بوده و نیازمند اقدام جمعی است، زیرا که رویکردهای سنتی کشور-مرکز برای برنامه‌ریزی امنیتی توانایی پاسخگویی به چالش‌ها و تهدیدات جدید فوق را نداشته و تغییر معماری امنیت ملی به امنیت مشترک و جمعی با سایر کشورها به صورت ملی و بین‌المللی می‌تواند به دوباره ساختاربندی کردن و باز تعریف امنیت ملی کشورها در حیطه امنیت و مدیریت آن در برابر منطق جهانی شدن که معتقد به تأثیر نیروهای اقتصادی و سیاسی فراملی به صورت هماهنگ بر امنیت ملی در سرتاسر جهان با توجه به جایگاه و منزلت دولت‌ها در سیستم بین‌المللی بیانجامد.

بنابراین در فرآیند باز تعریف امنیت ملی دولت‌ها و ارتباط آن با عناصر قدرت و منافع ملی و جایگاه دولت‌ها در سیستم بین‌الملل با عنایت به مفهوم قدرت ملی و عناصر آن در دو مقوله‌بندی شاخص‌های طبیعی یعنی جغرافیا، منابع و جمعیت و شاخص‌های اجتماعی، اقتصاد، سیاست، نیروهای نظامی و شاخص‌های روان‌شناختی و اطلاعاتی در فرآیند جهانی شدن در بعد داخلی و بین‌المللی چگونه تغییر یا باز تعریف می‌شوند. به عبارت دیگر ظرفیت‌های اقتصادی، قدرت مدنظر، ظرفیت‌های نظامی، اهداف استراتژیک و تعقیب استراتژی ملی، جمعیت و سرزمین در قالب عناصر قدرت ملی در برابر فرآیند جهانی شدن چه کنش و جهت‌گیری‌هایی را از خود بروز خواهند داد.

در رابطه با بازتعریف امنیت ملی دولت‌ها سه دسته از عناصر را می‌توان مدنظر قرار داد:

۱. ماهیت تهدیدات امنیتی نسبت به دولت‌ها در جهان جهانی شده،
۲. تأثیرات پدیده جهانی شدن بر تعقیب و بازتعریف امنیت ملی دولت‌ها،
۳. نقطه نظر مطرح در رابطه با دولت به عنوان تنها تامین کننده امنیت دولت‌ها و نقش بازیگران غیر دولتی در آن.

در راستای بررسی گزاره نخست یعنی ماهیت تهدیدات امنیتی دولت‌ها در فرآیند جهانی شدن دکتترین نظامی و دفاعی و سیاست‌گذاری‌های مطرح در رابطه با انواع دولت‌ها تحت عنوان قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های متوسط و قدرت‌های منطقه‌ای و نوع همکاری یا رقابت دولت‌ها در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین دولت‌های ضعیف و شکننده باید مورد بررسی قرار گیرد.

- بر این اساس یعنی در راستای تبیین ماهیت تهدیدات امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی معمولاً ماهیت جنگ‌ها از جنگ مابین دولت‌ها به جنگ‌های نوع سوم، جنگ‌های نیابتی و داخلی، قومیتی و جنگ بین دولت‌های کوچک مدنظر قرار می‌گیرد.

- تعیین نوع تهدیدات، جنگ‌های نیابتی، جنگ در دولت‌های شکننده و رقابتی مابین قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای.

- امنیت ملی و بازتعریف آن به صورت روزافزونی علاوه بر حیطه‌های دفاعی شامل حیطه‌های غیر دفاعی، رسانه‌ها، فضای مجازی، محیط زیست، تجارت و سلامت و بهداشت (کرونا) و تهدیدات منتج از آن‌ها می‌شود.

- هزینه‌های تامین امنیت ملی و تعیین دکتترین نظامی ملی از تهاجمی به تدافعی یا ترکیبی از این دو در قالب بازدارندگی.

- مدنظر قرار دادن بازیگران غیر دولتی در تامین امنیت توسط دولت‌ها و بازتعریف امنیت ملی با حضور در سطح منطقه‌ای و گسترش حوزه نفوذ دولت‌ها در سطوح منطقه‌ای.

به طور کلی می‌توان گفت فضای مجازی و جنگ‌های سایبری به عنوان یکی از تهدیدات و تأثیرات اساسی جهانی شدن بر امنیت ملی دولت‌ها و جوامع محسوب می‌شود که متن و محیط جهانی شدن، میزان آسیب‌پذیری و متأثر شدن دولت‌ها از آن در قالب اطلاعات فراساختاری و شبکه‌ای مرتبط با آن را نشان می‌دهد. به طوری که دولت‌ها را نیازمند بازتعریف و مدیریت فضای مجازی نموده است. یعنی داشتن سیاست‌های حمایتی و جلوگیری از نفوذ و حضور سایر کشورها در فضای مجازی کشور مقصد را ضروری می‌سازد.

از آن جایی که رهیافت‌های جنگ اطلاعاتی و سایبری تغییر و راهبردهای حملات بر فضای مجازی ملی در دستور کار قدرت‌های بزرگ به منظور دخالت در امور داخلی دولت‌های هدف (به عنوان مثال

دخالت در انتخابات داخلی سایر کشورها) قرار گرفته است؛ تغییر ماهیت فضای مجازی به تهدید نیازمند سیاست‌گذاری و باز تعریف دستور کار امنیت ملی دولت‌هاست.

استفاده از فاست نت‌ها و حملات مرتبط با آن‌ها که شامل هرزه‌نامه‌های ایمیلی، استفاده از فضای مجازی برای تغییر ادراک شهروندان و مقامات تحت عنوان جنگ نرم و حضور فعال تروریست‌ها در فضای مجازی از جمله تهدیدات فضای مجازی تلقی می‌شوند.

بنابراین در فرآیند جهانی شدن مرزهای ملی حالت رسوخ‌ناپذیری خود را از دست داده و جنگ اطلاعاتی تلاش دارد فضای مجازی و فضای سیاسی و فرهنگی جوامع را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین ماهیت تهدیدات تغییر کرده و نیازمند مدیریت نوین است.

گر چه جهانی شدن ارتباطات و رسانه و فضای مجازی تعاملات افراد و گروه‌ها را تسهیل و داد و ستد کالاها و سرویس اطلاعات و ارتباطات را گسترش و جهانی شدن اقتصاد شبکه‌ای، کنترل و توزیع مدیریت انرژی، هوا، سرزمین و مدیریت ترافیک دریاها و نقل و انتقالات تسلیحاتی و نظامی را آسان‌تر کرده است؛ اما به صورت ملی و فراملی تهدیدات را متوجه منافع ملی دولت‌ها نموده و دولت‌ها را به رقابت با هم و بازیگران غیر دولتی وا داشته است.

بنابراین با پایان جنگ سرد و گسترش فرآیند یا پدیده جهانی شدن ماهیت تهدیدات تغییر و خطر تعارضات و آشوب‌های داخلی متأثر از جهانی شدن فضای مجازی و اینترنت را افزایش داده است. به عبارت دیگر امنیت نرم و اهمیت آن را در باز تعریف امنیت ملی دولت‌ها و استراتژی مربوط به آن مورد توجه قرار داده است.

بنابراین بررسی نقش دولت در تامین امنیت ملی از طریق باز تعریف آن و مقاومت و تاب‌آوری به عنوان استراتژی در برابر چالش‌های منفی جهانی شدن به ویژه فضای مجازی را ضروری می‌سازد.

استراتژی تاب‌آوری دولت‌ها در پاسخ به تهدیدات امنیت ملی

تاب‌آوری رهیافت عملگرایانه دولت‌ها در برابر تهدیدات حاصل از فرآیند جهانی‌شدن و فشار سیستمیک دولت‌ها و بازیگران در قالب فشار حداکثر در راستای جامعه‌پذیری دولت‌های مستقل نظیر جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

تبیین مفهوم مقاومت یا استراتژی تاب‌آوری به عنوان دستور کار باز تعریف امنیت ملی در راستای مدیریت تهدیدات جدید امنیتی (نظیر فضای مجازی و ولنگاری مربوط به آن) و آسیب‌پذیری‌های ملی حاصل از شرایط عدم اطمینان سیستم بین‌المللی در فرآیند جهانی‌شدن و فشار سیستمیک قدرت‌های بزرگ از جمله استراتژی‌هایی است که دولت‌ها از نقطه نظر تئوری سازه‌نگاری تحت عنوان استراتژی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند مطرح می‌باشد.

به عبارت دیگر گسترش تهدیدات و عدم اطمینان ملی و بین‌المللی نیازمند به پاسخ یا باز تعریف امنیت ملی را ضروری می‌سازد. مفهوم عدم اطمینان حاصل از هرج و مرج و فشار سیستمیک نظام بین‌الملل و فشار حداکثری قدرت‌های بزرگ، شناسایی روزافزون تهدیدات علاوه بر تهدیدات سیاسی و اقتصادی، تهدیدات سایبری و مرتبط با فضای مجازی را سخت و غیر قابل پیش‌بینی نموده است. پاسخ به تهدیدات به صورت موثر و کارآ و مدیریت آن‌ها، توجه و اتخاذ استراتژی تاب‌آوری را به عنوان راه‌حل بالقوه ضروری می‌سازد. گرچه اتخاذ استراتژی تاب‌آوری و مقاومت مسئولیت دولت در تامین امنیت ملی سنتی که در ماهیت بازدارنده می‌باشد از بین نمی‌برد.

بر این اساس استراتژی مقاومت و تاب‌آوری به عنوان توانایی ایستادگی دولت در برابر شوک ناگهانی خارجی و باز تعریف یا بازآوری مجدد در برابر آن‌ها می‌باشد که در متن دولت تحت عنوان امنیت تلقی می‌شود.

تامین، حمایت از بقای دولت، مردم و رفاه شهروندان در عصر جهانی‌شدن از جمله مولفه‌هایی در استراتژی تاب‌آوری محسوب می‌شوند. در واقع تاب‌آوری و مقاومت، استراتژی موثر در مقابله و مدیریت عدم اطمینان می‌باشد.

شناسایی دولت مقاوم، سیاست‌گذاری‌ها و کنش‌های دولت از جمله مولفه‌های استراتژی مقاومت تلقی می‌شود.

تامین امنیت، مدیریت، رفاه و توجه به موارد بهداشتی از جمله مولفه‌های دولت پایدار و مقاوم در برابر فشارها و دولت برخوردار از نقش محوری است.

جهانی‌شدن صرف‌نظر از دیدگاه فرا جهان‌گرایان و شکاکان و دگرگون‌گرایان در رابطه با تاثیرات اندک یا عمیق جهانی‌شدن بر دولت‌ها و امنیت ملی آن‌ها، همراه با عدم اطمینان حاصل از هرج و مرج و فشار سیستمیک نظام بین‌الملل، حاکمیت ملی دولت‌ها همراه با آن، امنیت ملی به ویژه در قالب جنگ نرم یا جنگ ایده‌ها و هنجارها را متاثر نموده است. به طوری که بسیاری از پایان جغرافیا در فضای

مجازی صحبت و کنترل دولت بر آن را هدف قرار داده‌اند که فرا جهان‌گرایان (Hyper Globalists) از جمله آن‌ها محسوب می‌شوند.

شکاکان (Skeptics) تاثیرات تهدیدات فوق را بر امنیت ملی دولت‌ها اندک دانسته و دولت‌ها را قربانی آن تلقی نمی‌کنند.

دگرگون‌گرایان (Transformatists) نقطه نظرات فرا جهان‌گرایان را رد کرده ولی معتقدند که جهانی شدن به بازسازی فضای زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی منجر و بر این اساس بر نقش دولت‌ها اثر گذاشته است.

جهان‌گرایان تاثیرات اتوماتیک جهانی شدن را بر امنیت ملی نپذیرفته و معتقد به مدیریت آن توسط دولت‌ها را دارند. بنابراین مفهوم سنتی امنیت ملی و حفاظت از تهدیدات داخلی و خارجی نسبت به امنیت ملی در قالب مرزهای سرزمینی و جغرافیایی یعنی حفظ بقای دولت‌ها در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، تهدیدات جدید امنیتی و غیرنظامی که توسط قدرت‌های بزرگ، بازیگران غیر دولتی، تروریسم بین‌المللی، جنایات سازمان یافته، بیماری کرونا و ... را در دستور کار امنیتی دولت‌ها قرار داده است.

از آن جایی که دولت‌ها مهم‌ترین تامین کننده امنیت محسوب می‌شوند و از توانایی و توانمندی سخت و نرم در تعریف و باز تعریف تهدیدات برخوردارند، می‌توان گفت نقش دولت برخلاف نقطه نظرات مطرح در کمرنگ شدن در عصر جهانی شدن و مدیریت تهدیدات به ویژه در حوزه امنیتی کردن تهدیدات غیر سنتی افزایش یافته است (Keith Krause, 1996).

بر این اساس مسئولیت دولت در حفاظت و حمایت از شهروندان در برابر تهدیدات فضای مجازی و تامین شرایط اقتصادی و رفاه و در اساس حفظ ارزش‌های جامعه و هویت آن‌ها افزایش یافته است (به ویژه تهدیدات هستی‌شناسانه).

امنیتی کردن تهدیدات در صورت وجود تهدیدات در فضای مجازی مفهومی است که اکثر اندیشمندان روابط بین‌الملل نظیر باری بوزان، مکتب کپنهاک (Copenhagen) و (Olewaever) بر آن تاکید داشته‌اند. به عبارت دیگر امنیتی شدن به عنوان کنش کلامی، مفهومی است که در آن بازیگر یا دولت Issue را به عنوان تهدید امنیتی مدیریت و مهار می‌نماید تا از تهدیدات آن نسبت به خود و شهروندان جلوگیری نماید. تبدیل Issue به تهدید امنیتی در قالب پروژه ویژه، انجام اقدامات فوری و ویژه جهت تامین امنیت از جمله مولفه‌های امنیتی شدن تهدیدات نسبت به امنیت ملی دولت‌ها و باز تعریف آن در برابر فشار سیستمیک نظام بین‌الملل و جهانی شدن محسوب می‌شود.

تیین این که کدام بخش روابط یعنی اقتصادی، محیطی، اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ای باید امنیتی شود در باز تعریف امنیت ملی از اهمیت لازم برخوردار است. گر چه نوع مدیریت دولت‌ها در قالب استراتژی‌های امنیت ملی یعنی استراتژی تاب‌آوری در مقابل عدم اطمینان حاصل از سیستم بین‌الملل متفاوت است، اما اکثریت دولت‌ها در رابطه با چندگانگی و متفاوت بودن تهدیدات جدید نظیر ولنگاری در

فضای مجازی و نقش مخرب و منفی برخی از بازیگران غیر دولتی نظیر گروه‌های تروریستی و تهدیدات و فشار قدرت‌های بزرگ توافق دارند.

استراتژی تاب‌آوری سیستم سیاسی اشاره به ظرفیت و توان‌مندی سیستم در حفظ کارکردهای مربوط به خود در مقابل تهدیدات و فشارها محسوب می‌شود. به عبارت دیگر پاسخ نظام سیاسی (دولت) به ضرورت‌های (Emergencies) به ویژه توانایی و ظرفیت آن در جذب آشفتگی‌ها و آشوب‌ها و حفظ کارکردهای اساسی، ساختار، هویت و بازتاب پاسخ و باز تعریف در برابر تهدیدات، چالش‌ها و شوک‌های خارجی جزو مولفه‌های اصلی تاب‌آوری محسوب می‌شوند.

سه نوع تاب‌آوری از نقطه نظر هستی‌شناسی

فیلیپ بوربیو^۱ معتقد است که از نقطه نظر هستی‌شناسی می‌توان سه نوع استراتژی تاب‌آوری را مدنظر قرار داد:

۱. تاب‌آوری تحت عنوان حفظ (Maintenance) یعنی حفظ، پایداری و مقاومت یا حفظ وضع موجود در سیستم.
 ۲. تاب‌آوری تحت عنوان درحاشیه قرار دادن (نامید کردن) تهدید که هدف آن حفظ یا ادامه مقاومت در بحران یا شوک خارجی در جهت جلوگیری از آسیب رساندن تهدیدات و شوک‌های خارجی نسبت به ساختارهای داخلی و سیاست‌گذاری موجود می‌باشد.
 ۳. تاب‌آوری عبارت است از باز تعریف (Renewal) که هدف آن تغییر استراتژی یا دگرگون ساختن با طراحی دوباره مدل‌سازی ساختارهای موجود همراه با سیاست‌گذاری‌های جدید در راستای مدیریت تهدیدات است.
- بنابراین نقش دولت در راستای تاب‌آوری در عصر جهانی شدن در قالب باز تعریف سیاست‌گذاری و بازسازی ساختارها معنی پیدا می‌کند.
- اگر چه بسیاری از اندیشمندان معتقد به مابین مفهوم امنیت تحت عنوان جلوگیری یا حذف تهدیدات و مفهوم تاب‌آوری یعنی کاهش تأثیرات تهدیدات هستند، اما در راستای مدیریت تهدیدات معمولاً موازنه مابین این دو مفهوم ایجاد و در واقع هر دو آن‌ها در جهت جلوگیری و کاهش آثار تهدیدات عملیاتی و اجرایی شده و عنوان استراتژی دولت‌ها در عصر جهانی شدن مقابل فشارها و تهدیدات حاصل از آن معنا می‌یابد.

^۱ Philippe Bourbeau

نتیجه‌گیری

نقش دولت‌ها در مقابل تهدیدات ملی و بین‌المللی در عصر جهانی شدن از اهمیت لازم برخوردار بوده و نیازمند باز تعریف امنیت ملی در قالب اتخاذ استراتژی خروجی نظیر استراتژی تاب‌آوری (عنایت به تفاوت در دولت) در مقابل فشارها و تهدیدات منفی جهانی شدن حاصل از عدم اطمینان در نظام بین‌الملل است. بر این اساس گنجاندن تهدیدات جدید نظیر تهدیدات اقتصادی، محیط زیست، اجتماعی، بهداشتی و ارتباطی نظیر فضای مجازی در دستور کار امنیتی و در صورت تشدید تهدیدات فوق، امنیتی کردن آن در راستای انجام اقدامات فوری و مدیریت آن‌ها از جمله اقدامات مطرح دولت‌ها در باز تعریف امنیت ملی محسوب می‌شوند و در قالب استراتژی تاب‌آوری و به منظور کاهش و جلوگیری از آثار مخرب تهدیدات فوق در عصر جهانی شدن به همراه حفظ مسئولیت دولت‌ها، در رابطه با رهیافت‌های امنیت ملی - سنتی است. گر چه رهیافت‌های امنیت ملی - سنتی بیشتر بازدارنده هستند تا تاب‌آور.

بنابراین مسئولیت دولت در باز تعریف امنیت ملی، ایجاد نوعی موازنه یا تعادل ما بین بازدارندگی یعنی ایجاد امنیت و کاهش تاثیرات تهدیدات و ارزش‌های مطرح جامعه بر اساس هزینه‌ها و ریسک به کارگیری توأمان یا جدا از هم این دو می‌باشد.

منابع

- بهزادی، حمید. (۱۳۴۹). اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی. تهران: دهخدا.
- ماندل، رابرت. (۱۳۸۷). *چهره متغیر امنیت ملی*. مترجم و ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
- Giddens, Anthony. (1991). **The consequences of modernity**. Polity press, Cambridge.
- Renn, Jugen. (2017). **The Globalization of knowledge and its consumes**. 30sep2012, tlelge wen DT / Dept.
- Jagdish N, SHeth. (2008). **Globalization of markets and the rule of three**. Emory university, 28 July 2016.
- Jessop, Bob. (2000). **Globalization and national state**. department if sociology at Lancaster university December 2003.
- Soborski, Rofal. (2013). **Globalization and Ideology: Mapping the shifting Debate**. Palgrave macmillan London.
- Soborski, Rofal. (2013). **Ideology in a global age: frontiers of globalization series**. springer link Richmand university, UK, 2013 palgraveMacmillan, London.
- Bilgin, Pinar. (2012). **Globalization and in security**. springer link sp, 2012 (the middle east and globalization) P.p: 59-75.
- Lippman, Walter. (1943). **US foreign policy shield of republic**. Boston little brown and co.
- Keith, Krause. (1996). In security and state formation in the global military order, the middle eastern September 1996, case: **European journal of international relations**. 2, (3), P.p: 239-354.
- Raikhan, SadyKova. (2014). The interaction of Globalization and culture in the modern world, science direct, **procedia-socialand behavioral sciences**. 122, P.p: 1-10.
- Bilgin, Pinar. (2012). **Globalization and in security middle eastern Encaunters with International society**. Palgrave Macmillan. New York, 24 Dec 2012.

Sociological study of the definition of national security of governments in the age of globalization

Parviz Ahadi

Assistant Professor and Faculty Member, Department of Political Science and International Relations, Branch of Bonab, Islamic Azad University of Bonab, Iran.

The globalization is a social, political and economic process and is the result of the integration of time and space in such a way that it has weakened the communication discourse and diminished the differences and lead to the sovereignty and security of the nations. These changes have diminished or changed the governments' ability and capacity against regional and international pressures. The raise or reduction in the government's power, a change in their capacity, ability or disability and in the regional and international conflicts and struggles, the negotiations in the national security which is a combination of modern-traditional discourse and post-modernism and its political legitimacy have influenced political security and integration. These changes have led to the classification of the country into four groups of 1. big powers, 2. the presence of countries in the stable regions, 3. the countries in crisis regions, and 4. weak and defeated countries.

Key words: *National Security, Globalization, Government, Economy, Politics.*